

و بکات فلسفی و عرفانی بیان نموده که مصدوقه *إن من آتسینان تسحرأ میباشند و از او است*
 شورش عشق تو در هیچ سری نیست که دست
 و عابسم و فراق رخ و رلفت بهمان
 نه همین از عم او سینه ما صد چاک است
 موستی نیست که دعوی انا الحق شود
 چشم ما دیده حفاش بود و ربه برا
 گوش اسرار شو نیست و گرسه اسرار
 برش از عالم معنی حبری نیست که نیست
 پیر از او است

ما ر میحانه عشقیم گدایانی چند
 ناده نوشان و خموشان و حروشانی حمد
 تا آنکه در مقطع آن گوید

هر در اسرار که بر روی دلت برسدند
 رو گشایس طلب از همت مردانی حمد
 ایصاً

آش آن نیست که در وادی ایمن رده اند
 آش آن است که اندر دل درویشان است
 ایصاً

ای که با نور خرد خود جدا میجوئی
 خویش بین عکس نظر کن نکجا میجوئی
 ایصاً

یار سایان ریائی ر هوا بشیید
 گر بچاک در میحانه خو ما نسیدید

تألیفات سرواری بسیار و مرجع اسعاده دانشمندان میباشد

- ۱- اسرار الحکم باری که مکرراً چاپ شده است ۲- اسرار العاده در صفحه ۳- اصول الدنور
- ۴- الحصر والاحتیار ۵- حاشیه اسفار ملاصدرا که در حواشی خود اسفار چاپ شده است
- ۶- حاشیه رده الاصول شرح بهائی ۷- حاشیه شرح سیوطی بر الفیه ابن مالک ۸- حاشیه
- شواهد الیونیه ملاصدرا که در حواشی خود آن کتاب چاپ شده است ۹- حاشیه مندا و معاد
- ملاصدرا که بر در حواشی خود آن کتاب بطبع رسیده است ۱۰- حاشیه مثنوی ملای رومی که
- در بهران چاپ شده و باری است ۱۱- حاشیه مفتاح (معانیح) العیب که در حواشی خود معانیح
- چاپ شده است ۱۲- دیوان شعر فارسی در بهران چاپ شده است ۱۳- شرح الاسماء الحسنی
- که دعای خوش کسر معروف است ۱۴- شرح دعای صباح حضرت امیر المؤمنین ع که ایر

هر دو در تهران یکجا چاپ سگی شده و يك مسحة حطی از شرح دعای صباح بحط
 حس بن محمد سرواری شماره ۲۱۳۶ در کتابخانه مدرسه سپهسالار حدید تهران موجود
 و آن اولین مسحه‌ای است که چهل روز بعد از تألیف خود کتاب ، در ماه شوال ۱۲۶۷ هـ
 قمری از سواد سیاس رسیده و خود مؤلف محترم بر خواشی بسیاری ناحط خودش در
 حاشیدهای این مسحه مرقوم داشته است ۱۵- شرح عزرائل المدکور در دبل ۱۶- شرح
 اللالی المنتظمة مدکور در دبل ۱۷- شرح مشوی ملای رومی که نام حاشیه مسوی مدکور شد
 ۱۸- عزرائل المدکه منظومه ایست در حکمت و بالالی منتظمة که آن بر منظومه دیگری
 است در منطق هر دو در یکجا مستقلاً چاپ و منظومه سرواری معروف می باشد چنانچه
 با شرح آنها که بر از خود مؤلف است کرا را چاپ شده اند ۱۹- اللالی المنتظمة که در نالا
 مدکور شد ۲۰- محاکمات در رد مسحه ۲۱- معیاس در فقه ۲۲- نراس بر در فقه
 ۲۳- هدایة المسترشدين وفات سرواری در دهة آخر دی الحجه ارسال هرار و دویت و
 هشتاد و نهم یا نودم هجری قمری در سروار واقع شد و بنا بر تاریخ دویمی، لفظ حکیم
 مدت عمرش بوده و حمله حکیم عرب بر مازة تاریخ وفاتش می باشد، ملاکاطم سرواری،
 معروف بروعی، از تلامذه خود حاجی که متخلص بمیر بوده در تاریخ وفات استادش گوید
 اسرار خو از جهان بدر شد از فرش عرش ناله بر شد
 تاریخ وفاتش از پرسند گویم که نمرده نده تر شد = ۱۲۸۹
 (ص ۱۴۷ مآثر و آثار و مواضع متفرقه اردریعه و حاشیه شرح منظومه هیدحی و عبره)

سبط^۱

سبط ابن التعاویذی محمد بن عبیدالله - عبوان ابن العاویذی در کسی خواهد آمد
 سبط ابن الحوری یوسف بن قیرا و علی بن عبیدالله - بر کسی حسلی حسی
 بغدادی، ملقب شمس الدین، مکشی نابوالمظفر، عالم

۱- سبط - نکسر اول ، طایفه و بوه و فرزند فرزند و بهمین آخری داخل در عبوان
 مسهوری بعضی از اکابر می باشد که دبل تا ذکر می دهد

مورّح فقیه واعط محدّث حافظ خوش گفتار و بیگوم محصر، بحسب تعقیدهٔ حمیلی بود، از حدّ مادری خود ابن الحوری عبدالرحمن بن علی آتی الترحمة، احد مراتب علمینه نمود ارسال ششصد همبرت در حدود هیجده سالگی سیاحت و حجابگردی آغاز کرد تا دمشق رفته و در حورّه درس فقهی جمال الدین محمود حصری حاضر و مذهب حسنی را برگزید و از تألیفات حیدهٔ او است

۱- تذکرة خواص الامة في ذکر حصائص الائمة و یا تذکرة الخواص في مناقب امیر المؤمنین و اهل بيته الطاهرين ع که در تهران چاپ شده است ۲- مرآة الثرمان في تاریخ الاعیان در تاریخ مصر و دارای چهار مجلد وی سال ۶۴۴ هـ قمری مطابق ۱۲۵۷ م و یا سال ۶۵۴ هـ قمری (حد) در دمشق وفات و در حدل قاسیون مدفون گردید
(ص ۱۴۷ هـ و سطر ۴ ص ۴۲۹ ت و ۲۵۳۳ ح ۴ ص و عبره)

سبط ابی السام عهر بن حسن - بعنوان دوالمسن نگارش دادیم

سبط الشهید
شیخ حسن بن زین الدین - بن محمد بن حسن بن شهید ثانی، در دیل ضمن شرح حال عمّ او شیخ علی بن محمد بن حسن بحسب عنوان سبط الشهید مذکور است

سبط الشهید
شیخ زین الدین بن علی بن محمد - بعنوان زین الدین مذکور داشتیم

سبط الشهید
شیخ زین الدین بن محمد بن حسن بن شهید ثانی - بهمین عنوان زین الدین بن محمد بن حسن نگارش دادیم

سبط الشهید
شیخ علی بن زین الدین - بن محمد بن حسن بن شهید ثانی در دیل ضمن شرح حال عمّ خود شیخ علی بن محمد بن حسن مذکور است

سبط الشهید
شیخ علی بن محمد بن حسن صاحب معالم ابن شهید ثانی - حدل عاملی

اصهبانی، از اکابر علمای وقت خود شمار می رود که علم و فضل و سحر و تحقیق و جلالت قدر وی شهره آفاق، از معاصر بن ملامحسن فیض و محتسب سرواری بود، طعمهای بسیاری در حق ایشان داشته، در اوائل جوانی از بلاد خود حدل

عامل ناصہاں آمد و اقامت گرید و تالیفات طریقہ دارد

- ۱- احادیث النافعة ۲- حوای اعتراضات سلطان العلماء که بر شرح لعمه درده است
- ۳- حاشیة العیة شهید اول ۴- حاشیة روضه (شرح لعمه) ۵- حاشیة صحیفة سجادیة
- ۶- حاشیة فوائد مدیة ۷- حاشیة مختصر نافع ۸- حاشیة معالم حد خود ۹- حاشیة من لا یحصره العیة ۱۰- الدر المنثور من المأثور و عبر المأثور در حل عبارات معلّمه و مسائل مشکله و احبار محمله و بحقیق مطالب سیاری از انواع علوم متعرفه که در بهراں چاپ و دو سحہ خطی آن بیر شماره ۱۸۹۳ و ۱۹۸۴ در منرسه سپهسالار حدید تهرآن مو خود است
- ۱۱- الدر المصنوع من کلام المعصوم در شرح کافی با ناب علم و عقل ۱۲- الره علی من ینسج العبا
- ۱۳- رساله ای در حرمت عبا و ساند همان ماضی باشد ۱۴- السهام المارقه من اعتراض الرنا دقه
- ۱۵- شرح اصول کافی که همان در مصنوع مذکور در فوق است محضی نماید که شیخ علی مذکور طبع شعری عالی داشته و در مرثیة برادر خود رین الدین بن محمد بن حسن صاحب معالم گوید

تحمّل رعاك الله من بعض اشحابی
 وقومی و احوالی و تربی و حلایی
 و حرّی علی من كان عیسی و انسانی
 عظمتها و الحزن قد اسرالثانی
 نعمة دی وحد و ادة نهما
 عفت و حلب من حیر اهل و سکان
 و زرع ركن ای ركن لانسان
 و بعدنه عن محص علم و عرفان

الا یا سیمما قاصدا ارض لسان
 وقف وقفة ما بین اهلی و حرّتی
 و بث نديهم ثوعتی و صابتی
 و قل لهم ان العرس قد قصی
 و حید اکتیبا لاجلیل یعیسه
 و قل لرؤع افهت و مسارل
 مصی اهل ذلك العلم والفصل والتمی
 فتی كان یحشی الله سرا و حهرة

ولادت شیخ علی سال هرا و سیرده یا چهارده و وفاتش در هرا و صد و سه یا چهار هجرت در اصفهان واقع شد اما شیخ محمد بن حسن صاحب معالم که پدر شیخ علی میباشد در ضمن بر حمة حال پدرش بحت عنوان صاحب معالم خواهد آمد ناگفته نماید شیخ علی صغیر (که در اصطلاح اهل علم دایر است) بنا برده سپور ، عبارت از همس شیخ علی بن محمد بن حسن بوده و وصف صغیر هم نسبت بمحقق کرکی علی بن عبد العالی (آتی الرحمة) است لکن صاحب روضات از بعض افاضل حمل عامل و اولاد خود شیخ علی مذکور ،

نقل کرده که شیخ علی سعیر عمارت از برادرزاده شیخ عالی مدکور - بنی - ارد
محمد بن حسن بن شهید ثانی است که در مقابل عم - همد (شیخ علی صاحب - ۱۱۰۴ هـ)
موصوف میباشد

نگارنده گوید همین شیخ علی میر بریل اسپهان و شیخ حرّ - بنی - ارد
۱۱۰۴ هـ ق) معاصر و عالمی بوده ادیب فاضل شاعر ماح - بنی - ارد
دامده عم مدکور خود بود و از تألیفات او است

حاشیه تمهید العوائد حد خود شهید ثانی و حاشیه باب بوحید کافی
و صد و دویم هجرت شیخ حسن بن شیخ عباس - بنی - ارد
چهارم هجرت حاشیه تمهید را تألیف داد و سال وفاتش بدست یامد

بنی الدین مدکور که پدر همین شیخ علی سعیر و برادر شیخ عالی مدکور بود
است بعنوان رین الدین بن محمد بن حسن نگاشتا آمد اما شیخ حسن بن رین - بنی - ارد
بن محمد بن حسن بن شهید ثانی عاملی جمعی که برادرزاده دینار شیخ عالی - بنی - ارد
صاحب ترجمه است بر سبط الشهد موصوف و بریل اسپهان و از سایر مصنفان بود
از عم مدکور خود و دیگر اکابر تحصیل مراتب علمیّه نمود و در سال هزار و صد و هجرت
هجرت وفات یافت (ملل و ص ۱۴۱ تا ۱۴۳ ح ۱ طرائف و مواضع - معرقه اردبیل)

شیخ محمد بن حسن بن شهید ثانی - در حسن - بنی - ارد
سبط الشهد
ما حدش بخت عنوان صاحب معالم نگارش حواهد یافت

محمد بن محمد بن احمد - عراقی دمشقی، ملقب بدرالدین
سبط الماردیسی
معروف، سبط الماردیسی، نویسنده معجم المطبوعات در سال

هشتصد و بیست و شش هجرت متولد شد و مؤلف کتاب لفظ الجواهر فی تحذیر الاحطوط و اندوار
میشد که سال ۱۲۹۹ هـ قمری در مصر چاپ شده و ارسال وفاس حیری نوشته است
در حاشی سطریم رسیده که ماردیسی بدرالدین، مؤلف کتاب تحفة الالهاب فی علم الحساب بوده
و در هندسه عالی و مقیضات ارتفاع میر تألیفاتی داشته سال نهصد تمام هجرت درگذشته

الحمد لله الذي علم بالقلم علم الانسان ما لم يعلم وصلى الله على سيدنا
 محمد سيد العرب والنجم وعلى اله وصحبه وسلم وشرف وكرم
 وبعد فقد ذرا على القبر الى الله تعالى نور الدين علي بن حسن
 المعروف بالمخطوطي جميع هذه المقدمة المسماة بالمطلب فجاد
 فزاتها وانقائها وقد ادب له في اوراقها وحل مشكلاتها وان
 بقري جمع المختصرات الخمسة وان يعاشر اوقات
 الصلوات وان يخرج الحارث واليهات في جميع البلاد
 العامرات طاعت من الكفاية في ذلك والله يطلع
 من الجزرات منتهى امله وسدد في موله وعمله وكتب
 ذلك ولفها محمد بن محمد بن احمد سبط المارديني الموقت بالجامع
 الازهر في يوم السبت ثالث عشر من شعبان سنة ٨٦١
 احسن الله عاقبتها

کشفه خط سبط المارديني - ۲۴

کلیسه مر بور یک قطعه از صفحه آخری یک رساله خطی اوست که مرسوم به المطلب
 فی العمل فالربع المحبت مساسد که در ۸۶۱ نوسه ودر دساحة آن گوید اما
 بعد فانه یعول الحد القصر لربه المعروف بنده محمد بن محمد بن احمد المعروف
 باسم سبط المارديني الموقت بالجامع الازهر انه لسر فی الالات الفلکيه اسرف
 من الربع المحبت لانه يعمل به جميع الاعمال فی جميع الافاق فاسحرت الله حل حلاله
 و الفب هذه الرساله وسميها المطلب فی العمل فالربع المحبت الحج ودر کتابخانه
 شخصی حباب آفای فخرالدين بصری موجود است

است نگارنده گوید دور نیست مارديني مذکور همان است که در معجم المطبوعه
 سبط المارديني عنوانش کرده ويا سبط المارديني مذکور در دال ناسد حياجه یکی بود
 مارديني و دوسبط المارديني بيا اسعادي ندارد (ص ۱ مط)

محمد بن محمد بن احمد بن محمد - مکتب سدرالدين، يا حو

سبط المارديني

محمد بن محمد بن علي بن سوسنة معجم المطبوعات درسا

فلسفه و سبب و هفت هجری قمری متولد شده فقیه است حلال به و ...
رائی مصری شافعی ، صاحب مؤلفات بسیار که از آن جمله است

شرح الرحمة، شرح الفصول ، شرح المعطر، كشف العوامس و ارسال ووت او ...

نویسه است نگارنده گوید چنانچه اشاره نمودیم محتال است که در ...

رسم شرح حال فوق همین صاحب ترجمه باشد

فره ایست ارسبعه و بعنوان سبطه که حرف ر و ن آن ...

سبطه

خواهد آمد

سبح احمد بن محمد بن عبدالله - بن علی بن حسن بن ...

سعی

محمد بن سع (یا سببع) بن سالم بن رفاعة احسانی بحر بن ...

سعی (یا سبعی) از اکابر علمای امامیه، عالمی است فاضل فقه حدیث ...

رتلامده ابن الموقح احمد بن عبدالله بحرانی آبی الترحمة و آثار فامی وی ...

لمی او میسند

۱- الانوار العلویه (العلیه حل) فی شرح الائمة که شرحی مسطور ...

قول بوده و نمروده در ریة در سال ۸۵۳ و موافق آن بعد در روضت ...

نرده در عصر روز سینه دوازدهم حمادی الاولی ۹۵۳ قمری ارتأیبه آن ...

۲- سدید الافهام فی شرح فواعد الاحکام که نمروده سید حسین بروجردی ...

ر تأیبه آن فارغ گشته است در روایات گوید تا وجود شرحهای بسیاری که ...

بهید نوسه سده مثل شرح محقق کرکی و سیح ابراهیم قطیفی و سدید ای واک بردی ...

رحی اتم و اجمع از شرح سبعی را ندیده ام که اصول و فروع را جامع و فوائد خارجی

سیاری را مستمل است ۳- شرح الفیه که نام انوار علویه مذکور شد ۴- شرح فواعد علاه

نه نام سدید الافهام نگارن دادیم

از اسرار سیح احمد سبعی، بحمیس قصیده سیح رحب رسی است که در مدح حضرت

میرالمؤمنین ع گفته و از آن جمله است

اعيت صفاتك اهل الراي والطر
 انت الذي دق معناه لمعتر
 يا حجة الله نسل يا منهي المدر
 وهي حدودك قوم في هواك شووا
 ادا صروا منك امرا معجرا فعلوا
 حيرت اذهابهم يا ذا العلى فعلوا
 واوردتهم حياص الصحر والحصر
 يا آية الله نل يا قبة الشر
 هيمت افكار دي الافكار حين رووا
 آيات شاك في الايام والعصر

وفات سعی نوشته بعضی از احلّه سال بهصد و شصت و اند از محرت در هند وقوع یافته و لکن این تاریخ با در نظر گرفتن اینکه سعی از الامده اس المتوح حرابی و او بیر از شاگردان شهید اول (متوفی سال ۷۸۶) و فخر المحققین (متوفی سال ۷۷۱ ه قمری) بوده است و با ملاحظه تاریخ تألیف دو کتاب انوار علویّه و سدید الافهام که از دربیعة و روحردی نقل کردیم بسیار مستعد میباشد اما تاریخ دیگر که از روصات هست تألیف کتاب انوار علویّه نقل شده دوریست که ناشی از اشتباه صاحب روصات و یا جهات دیگر بوده و معدالك محتاج بتتبع رايد است

(ص ۲۵۷ ج ۲ بی ۴۷۹ ج ۱۰ اعیان الشیعة و سطر ۳۲ ص ۱۹ ب و ص ۴۳۴ ج ۲ دربیعة)

بفتح اول دهی است در باب حلب و در اصطلاح علمای رجال موافق

سعی

بعضی از آثار دسیّه عبارت از همداد بن میباشد که در لیلة العقبة

بیعت کردند و در تحت عنوان اثنی عشر بیر اشاره نمودیم و شرح قصیه موکول نکتب مربوطه میباشد

تقی الدین بن عبدالکافی - همان سکی علی بن عبدالکافی مذکور

سکی

در دیل است در قاموس الاعلام بهمین روش عنوان کرده است

سکی

احمد بن علی بن عبدالکافی - ملقب بهاء الدین، مکی یا بوحامد،

سکی

ادیب فاضل متعدد متقی کثیر الجح و الصدقه و مثل پدرش (که

۱ - سکی - بص اول مسوب ندو قریه است در مصر که یکی را سنک الصحاک و دیگری

را سنک العبد نامند و بعضی از ایشان را تدکر مینهد

شرح حال او در دیل مذکور است) از افاضل وقت سده بود ابدی حاکم و
 و ابوحیان و دیدار افاضل وقت درس خوانده و از آثار مصر و روم و بغداد و ارض
 علمیته نموده است مدنی در شام و صارت کرده و دیری متصدی قنات لتاری به و
 و عاقبت در مکه مقیم شد و سال همتصد و همتادوسا هجری هجری در آن ارض
 در پنجاه و چهار سالگی در گذشت مراتب فضل و کمالات او مورد بحسین ، بعد بقاری
 بوده و بسیارش می ستوده و درباره او گفته است

دروس احمد حیر من دروس علی و دائه عمید علی عایة الامل

از تألیفات احمد است

۱- شرح تلخیص الممتاح که نام آن عروس الافراح بوده و در دال و در است ۲- شرح
 الحاوی ۳- شرح مختصر ابن حاجب ۴- عروس الافراح فی شرح تلخیص الممتاح که با حدیث
 شرح دیگر در مصر چاپ شده است (ص ۲۱۰ ح ۱ در رکامه و سطر ۱۲ ص ۶۱ ب و غیره)
 عبدالوهاب بن علی - رادر احمد سسکی مذکور فوق بعنوان

سسکی

باح الدین سگارش یافته است

علی بن عبدالکافی - بن علی بن امام بن یوسف بن موسی بن امام

سسکی

بن حامد بن یحیی بن عمر بن عثمان بن علی بن سوا - بن سایم

انصاری حررحی ، سسکی الولادة ، شامعی الفروع ، اشعری الاصول ، ابوالحسن الکیه ،
 باح الدین یا بنی الدین اللب ، از اکابر علمای عامه میباشد که فقیه اصولی محدث حافظ
 رحالی مطعی حلافی قاری بحوی لعوی بیانی حدلی ، حاکم شام ، جامع ترین علمای
 عهد خود ، موصوف باو حدالمجتهدین و مدنی بعد از حلال الدین فرویبی باکمال عفت
 و دانت قاصی العصاة شام بوده است ولادت او در اول ماه صفر شتصد و هشتاد و سوم
 هجرت در فریة سبک العید مصر واقع شد و هر يك از علوم و فنون دیگر را بیارمه
 اسابید آن و تحصیل کرد و تألیفات او حاکی از دقت نظر و حسن سلیقه وی می باشد
 ۱- الانتهاج (الانهاج ح ۱) فی شرح المصباح للذوی ۲- بیان احکام الربط فی اعراض
 الشرط علی الشرط ۳- التحصیر المهدب فی تحریر المذهب ۴- تسریح الناطر فی انزال المناظر
 ۵- الدر العظیم فی تفسیر القرآن العظیم ۶- رافع الشقاق فی مسئله الطلاق ۷- روع الحاجب عن

مختصر ابن الجاحظ در اصول ۸- الرقم الابری فی شرح مختصر التبریری ۹- السیف المسلول علی من ساء الرسول ص ۱۰- شفاء الاسقام (الاسقام حا) فی زیارة حیر الانام در رد ابن تسمه نه مسکر سفر زیارت بوده و در حذر آباد و مصر و فاهره چاپ شده است ۱۱- شن العارة علی من انکر السمر للزیارة که بنوسته بعضی نام دیگر کتاب شفاء الاسقام مذکور است ۱۲- العلم المشهور فی اثبات المشهور ۱۳- کشف النماح فی الافادة الامتیاع و غیر اینها که تا صد و پنجاه تألیفات

متنوعه بدو نسبت داده اند سبکی در شعر متوسط بوده وار او است

ان الولاية ليس فيها راحة الا ثلث يتعبيها العاقل

حکم بحق او ارادة ناطل او نفع محتاج سواها ناطل

سال هفتصد و پنجاهم یا پنجاه و ششم هجرت در مصر وفات یافت ، اصلا بر کهای نداشتند بلکه معادل سی و دو هزار درهم فرصدار بوده که پسرانش آن را پرداخت نمودند گویند هر کسی که از دولیان و غیر ایشان متعرض او میشد بحکم تحریمه در مکافات آن گرفتار عرل و یا مرگ میگردد (ص ۴۹۵ و سطر ۱۴ ص ۶۱ و ۱۴۷ هـ)

و ۶۳ ح ۳ در کاهمه و ۱۴۶ ح ۲ طبقات السافعة و ۲۵۳۴ ح ۴ ص و عره)

لفح حارب بن اوس از بنی السیت میباشد و شرح حالش در کتب

سبیی

رحالیه است

سبیی

احمد بن محمد بن سعید - نعمان ابن عقده در باب کسی خواهد آمد

سبیی

احمد بن محمد بن عبد الله - نعمان سبیی مذکور داشتیم

سبیی

۱- سبیی - نسخ اول، موافق آنچه ضمن ترجمه احمد بن محمد بن سعید سبیی معروف با بن عقده در کتاب تنقیح المقال فرموده چندین شخص بهمین نسبت سبیی معروف و لکن وجه نسبت ایشان مخالف یکدیگر میباشد، چنانچه در بن عقده، منسوب قبیله بنی سبیع از طوون قبیله همدان است که پدرشان سبیع بن صعف بن معاویه بن بکر بن مالک بن حشم بن حاشد بن حشم بن حووان بن یوف بن همدان میباشد، بعضی از ایشان محله سبیع نامی از محلات کوفه که همان قبیله بنی سبیع نسبت دارد منسوب و بعضی دیگر بدر بن السبیع حلب نسبت دارند که از آن جمله است حسن بن صالح بن اسمعیل بن عمر بن حماد بن حمرة حلبی سبیعی و حمعی دیگر از محدثین فریقین بالحملة سبیعی در اصطلاح رحالی عبارت از حدیقه بن شعب ، رید بن هانی ، حسن بن علی ، حمید بن شعب و بعضی دیگر بوده و شرح حالشان را موکول مکتب رحالیه میدارد

اسرائیل بن یونس بن عمرو بن عبداللہ - محدث راہد امی دہ

سبعی

وار اصحاب حصر صادق عامہ السلام بوده و سال سد و سب

(ص ۵ ح ۱ بی و کتب ر - الیہ)

چہارم ہجرت در گذشت

عمر با عمرو بن عبداللہ - بعنوان ابواسحق در باب کسی خواہد آمد

سبعی

یونس بن عمرو بن عبداللہ - محدث راہد و سر ابواسحق سبعی

سبعی

مذکور فوق بوده و در سال یکصد و شصتم ہجرت در گذشت

(کتب رحالیہ و ص ۵ ح ۱ بی)

حدادوست نامی است از سعراى ایرانی کہ از اکابر رادکان

سناہی

اندجان بوده و در سال ہصد و ہفتاد و نہم ہجرت در گذشت و او است

فریاد کہ تا چشم کسودی نگذشت

افسوس کہ وقت دل برودی نگذشت

انام بگوری و کسودی نگذشت

بی چشم و خطت نہشد و برگس را

(ص ۲۵۳۵ ح ۴ س)

متخص دیگری بدست بیامد

محمد تقی خان کاسانی - بعنوان لسان الملك خواہد آمد

سہر

عناستلی خان - در ضمن شرح حال مدرس محمد تقی خان فوق

سہر نالی

خواہد آمد

اردستانی الاصل ، اصعبائی المسکن ، از سعراى ایران ، صاحب

سہری

فعل و عرفان ، تصوف منسوب بوده و بعضی مسویہا گفته و او است

اگر ر عمر شمارسد روز ہجران را

ر حصر ، عمر ورون است عشقار ابرا

(ص ۲۵۳۵ ح ۴ س)

نام و رمان و مشخص دیگری بدست بیامد

سنائی

با در اصطلاح رحالی احمد بن یعقوب میباید و رجوع بدان عام نماید

سنائی

حدیث

ست الامناء

دختر شیخ صدرالدین، عنوان ام عرائدین در کبی خواهد آمد

ست الاهل

دختر علوان بن سعید (سعید ح ز) بن علوان بن علوان بن کامل -

علمکی حنبلی، ربی بوده صالح، باعفت، دیدار، باقباعت

که اصلاً اعتنائی حلق و دلوق نداشت، از بهاءالدین عبدالرحمن مقدسی که از مشاهیر محدثین میباشد بسیار روایت کرده است، در کثرت مسموعات حدیثی در عصر خود متعزّد و کبیه اش ام احمد بود، در نورد هم محرم همصد و سوم هجرت در هشتاد و پنج سالگی در گذشت (ص ۱۲۵ ح ۲ دررکامه و ۵۲ ح ۲ حرّات)

۱- ست - درص ۵۱ ح ۲ حرّات حسان گوید نکسراول و تشدید نابی، طاهرأ محمف سده میباشد که در عربی بمعنی حام (بی بی - نانو) استعمال نمایند، پس اضافه میکند بعضی، لفظ ست را بمعنی عدد شش گرفته و گویند که بمعنی شش علام و کبیر و کبابه از تمول زیاد است، حمی بهمین معنی عددی کبابه از جهات سه (شش جهت) دانند که گویا موصوف بهمین لفظ ست، مالک جهات سته عالم است بهاءالدین رهبر بر بهمین معنی آخری اشاره کرده و گوید

فتنطرنی الحیاة بعین ممت

بروحی من اسمیها ست

فکیف و انبی لرهبر وقبی

یرون نابی قید قلت لحنا

قلالحن ادا ماقلت ستی

و لکن عادة ملکت جهاتی

نگارنده گوید بهر معنی که باشد استعمال آن در عربیان دنده سده و در صورت اطلاق و بودن قریبه بر طاهرأ مراد معنی اول مذکور فوق است و بس (نانو - حام - سیده) بلکه بنا بر دو معنی آخری باید استعمال آن در عربیان بر صحیح باشد و حال آنکه در حامی سراع نداریم و اما استعمال رهبر مسند تقریبه است و منظور اصلی این است که مراد از لفظ ست در صورت بودن قریبه همان معنی اولی مذکور است (سده - حام) در روایات الحیات بر در شرح حال ام الحسن واطمة، ضمن شرح حال پدرش شهید اول، بهمین معنی تصریح کرده است اینکه در قطر المحیط استعمال لفظ ست در معنی سیده را تعلیظ کرده و از استعمال عوامش شمرده است شاید مرادش این باشد که این معنی را معنی اصلی ست دانستن علط است و آن مباحی محمف لفظ سده بودن نمیداشد، علاوه که استعمال آن در وصف زبان، در کلمات احوه بسیار است، در دررکامه، نسب و پنج تن از محدثات را بهمین عنوان ست العلماء و ست المسابح و مانند اینها مذکور داشته است و حمل لفظ ست در این گونه استعمال بمعنی عددی مذکور (شش) دور از انصاف بوده بلکه صورت صحیحی ندارد و کف کان، شرح حال احمالی بعضی از موصوف بهمین عنوان را تذکر میدهد

	ست ابی صالح رواحه بن علی	ست الشام
	صغیة ، ست مجدالدین احمد	ست الشام
	ست عمر بن ابی نکر	ست العمید
از مشاهیر محدثان عامه	ست ابی الولید محمد	ست العجم
در قرن هشتم هجری هستند	ست سیدالدین علی بن عبدالرحمن	ست العرب
و شرح حال ایشان مؤکول	ست محمد بن علی بن احمد	ست العرب
بکتاب مربوطه میباشد	فاطمه ست محمد بن موسی	ست العرب
	ست شیخه رباط	ست العلماء
	ست احمد	ست العمال
	عایشه دختر قاصی علاءالدین حسینی	ست العیس

رابعه ست شیخ ابونکر بخاری- زن سید احمد ، فاصله و کامله و عارفه، از اکابر عرفا و دارای اوصاف حمیده بود، از طرف شوهر خود نام الفقراء مکنی و به ست الفقراء ملقب و پیوسته از حوف پروردگار در حرن وعم سرمی برد و در شوال ۱۳۶۳ هجری درگذشت (ص ۱ ۲ در مسور)

	امه الرحمن ست ابراهیم بن علی	ست الفقهاء
	ست حطیب احمد بن محمد	ست الفقهاء
	ست اسمعیل بن ابراهیم	ست الفقهاء
	ست محمد بن محمد بن اسمعیل	ست الفقهاء
	فاطمه ست فهد	ست قر نس
	ست حطیب احمد بن محمد	ست القصة
	ست محمد بن علی	ست القصة
	ست قاصی محیی الدین	ست القصة

فاطمه ست شهید اول- در باب کبی بعنوان ام الحسن خواهد آمد

از محدثان قرن هشتم هجری میباشد و شرح	ست ابی الذکر احمد	ست الناس
حال ایشان مؤکول بکتاب و حالیه است	ست احمد بن حمدان	ست النعم
	ست یوسف بن محمد	ست النعم

ست حسن بن زید بن حسن بن علی بن ابیطالب - لقمش طاهره و
 سب نعیسه
 کریمه الدارین است ، سال ۱۴۵ هـ ق در مکه متولد شد ، در
 مدینه با رهد و عادت سر میرد ، هم نالین اسحق مؤتمن فرزند حضرت صادق بود ،
 ار آن دو نور پاك و فرزند قاسم و ام كلثوم نامی بوحود آمد پس با شوهر و فرزندان خود
 بمصر رفت ، فاصله هفت سال در رمضان دو بیست و هشتم هجرت در آنجا وفات یافت
 اسحق ، بخواست که حاره اش را بمدینه نقل دهد لکن اهالی مصر از روی عقیده کاملی
 که بست آن محدثه معظمه داشتند درخواست کردند که آن نعش پاك را در حاك ایشان
 دفن نماید که وسیله سرك و میمت ایشان باشد اسحق بپرسید قبول نمود و در حاك مصرش
 مدفون ساخت که رنارتگاه عام و خاص میباشد آن محدثه در حق فقرا و بیماران تلطف های
 بی نهایت داشت ، همواره روره و شیر بنده دار بود ، تا اسحق حاضر نمی شد تناول عدا
 نمی کرد ، در حال احتضار بپرسید روره دار بود ، جمعی از حاضرین درخواست افطار کردند
 گفت سبحان الله سی سال است که از درگاه خداوندی مسئلت می نمایم روره دار از دنیا
 رفته باشم چگونه باشد که از این آرزوی سی ساله دست بردارم و در آن حال این بیت را
 می خوانده است

اصرفواعی طیبی - ودعوی و حمیمی رادنی شوقی الیه - وعرامی و بحیمی
 بعد از این شروع تلاوت سوره انعام کرد چون نایه شریفه لهم دار السلام رسید جان
 مالک جان سپرد امام شافعی در آن اوان ساکن مصر بود و بریارت آن جان معظمه
 میرفته و درخواست دعای حیر می نموده است (ص ۱۲۲ ح ۳ حررات)

سب الوراء ام عبدالله - دختر قاصی شمس الدین } هر یکی بهمین عنوان بانی خود
 سب الوراء ام محمد - دختر تاح الدین } در باب کی خواهد آمد

سب الوفاء ست محمد از محدثات قرن هشتم هجرت میباشد و شرح حالش
 در کتب مربوطه است

سب سینه ابراهیم - مکسی باواسحق ، از اکابر عرفا و متصوفه میباشد که
 با ابراهیم ادهم (متوفی در حدود سال ۱۶۰ هـ قمری) ملاقات کرده

و صحبت داشت ، نارشاد ابراهیم ، رمایی تکسب استعمال یافت ، اندوختن خود را هر چه بودی بقرا اذعان می نمود ، عاقبت بار بدستور ابراهیم سلمی ترک عازف موده و بر عهده بادید پیما گشت ، ناآن حال بر یارت بیت الله الحرام رفت و بعضی کلمات سار فانه و متصوفان را از وی منقول است در اصل کرمانی بود ولی چند گاهی در هرات اقامت گزیده و از این رو به هروی شهرت یافت و مدفنش در فروین است و سال وفاتش بدست نیامد

(ص ۵۷۲ ح ۱ س)

سنه احرى

اولی شش تن از اصحاب حضرت کاطم ع و حضرت رسا ع ، دومی

سنه اولی

هم شش تن دیگر از اصحاب حضرت نافر و حضرت صادق ع و

سنه وسطی

سومی نیز شش تن دیگر فقط از اصحاب حضرت صادق علیه السلام بوده و بطور اجمال

در تحت عنوان اصحاب اجماع بگارش دادیم

در صورت عدم قرینه منصرف بوحود مقدس حضرت امام علی بن

سجاد

الحسین علیهما السلام بوده و گاهی محمد بن عبدالله کوفی را نیز گویند

حسن بن حماد - حصرمی ، مکتبی یا ابو عبدالله ، معروف بسجاده ،

سجاده

از محدثین عاقله بوده و قرآن مجید را قدیم میدانسته است از

وی پرسیدند از حکم کسی که سوگند خورده با کافر و رند یقی حرف نبرد و تکلم نماید

والا رش رها و مطلقا باشد بعد از این نا کسی که بحالقت قرآن معتقد و آن کتاب آسمانی

را حادث میدانسته تکلم کرده است ، ناسخ داد که بر خلاف قسم رفتار کرده و رش مطلقه

میشد ، احمد بن حنبل نیز حسن را تحسین کرده و گفت که حرف بعیدی بگفته است

حسن سال دویست و چهل و یکم هجرت در بغداد درگذشت

(ص ۲۹۵ ح ۷ تاریخ بغداد)

حسن بن علی بن ابی عثمانه - شرح حالش موکول بکتاب حالیه است

سجاده

احمد بن شهاب الدین احمد بن محمد - سجاعی شافعی اهری ،

سجاعی

مصری المولد والمشاء ، از اعیان علمای زمان خود بود ، در

تمامی علوم متداوله شریک و سهیم ایشان بشمار میرفت، در علوم عربیه نیز دستی توانا داشت، از پدر خود و دیگر مشایخ وقت تحصیل مراتب علمیّه نموده و در حال حیات پدر و بعد از وفات او تدریس می کرده و از تألیفات اوست

۱- اثبات کرامات الاولیاء ۲- تنوع الارب فی شرح قصائد من کلام العرب

که قصیده های ابوالاسود دثلی، عبدالعزیز بن حفاف، ابوالفتح سستی، عمادالدین رحاء بن شرف اصفهانی، سموئل بن عادیا ی یهودی عسائی و مرثیه ابوالحسن بهامی را شرح کرده است

۳- الحواهر المستطعات فی عقود المصولات ۴- حاشیه شرح قطر ابن هشام ۵- شرح معلمه امر العیس ۶- فتح التحلیل علی شرح ابن عقیل ۷- فتح الممان لیان الرسل اللتی فی القرآن ۸- منظومه استعارات و غیر اینها و همه آنها در مصر و قاهره چاپ شده اند سال هزار و یکصد و نود و هفتاد هجری قمری در قاهره وفات یافت و در مقبره قراه صغری مدفون گردید (ص ۵ مط)

سجاوند

سجاوندی ، صاحب تفسیر عین المعانی رجوع بدیل شود

محمد بن ابی یزید طیمور - سجاوندی عربی ، از علمای عامه

سجاوندی

فرز ششم هجری و مؤلف کتاب انسان عین المعانی و حدود کتاب عین المعانی فی تفسیر السع المثنائی و کتاب الموحر (که در آن از پنج گونه وصف مذاکره میکند) و کتاب الوقف والانتداء (که مشتمل بر هفت نوع از وصف است) و در سال پانصد و شصت تمام از هجرت درگذشت در قاموس الاعلام گویند محمدالدین سجاوندی از جمله مفسرین بوده و مؤلف تفسیر شریف عین المعانی نامی است و دیگر از اسم و رمان و غیره حصری نوشته است و ظاهر کلامش که تفسیر عین المعانی را بدو نسبت داده اند که همان محمد بن

سجاوند - فتح اول و واو، عرب سگاوند، نام کوهی است از سیستان و با بردگی آن که بقول رشیدی سگ در آن بسیار میباشد از همت اقلیم نقل است که سجاوند قصه ایست از توهمات کابل و از نگارستان نقل شده که موصی است از حواف حراسان و دیگری گفته که دیهی است در دوازده فرسخی تربت (برهان قاطع و فرهنگ آندراج)

ابی طیبور میباشد که لقب مجدالدین داشتند است محقق نماید که کتاب اسان عین المعانی مدکور فوق ملخص و مختصر کتاب عین المعانی مدکور است (کف و ص ۴۱۶۷ ح ۶ س و اطلاعات مفرقه)

محمد بن عبدالرشید - یا محمد بن محمد بن عبدالرشید، حنفی،

سحاوندی

مکشی نابوطاهر، ملقب سراج الدین، از مشاهیر علما و فقه‌های

قرن پنجم هجرت میباشد و از تألیفات او است

کتاب فرائض سحاوندیه (سراجیه ح) که چندین مرتبه در لندن و کلکته و مصر

و قاهره چاپ و محل توحه و استعادة فصلی بوده و شرح‌های بسیاری بر آن نوشته اند که

مشهورترین آنها شرح سید شریف حرحانی است و سال وفات سحاوندی بدست نیامد

(ص ۱۴۸ هـ و ۲۵۳۷ ح ۴ س و عره)

سحری

شیخ ابوسعید احمد بن محمد بن یعقوب سیستانی خواهد آمد

سحستانی

سلمان بن اشعث - یعقوب ابوداود سحستانی در باب کبی خواهد آمد

سحسانی

سهل بن محمد - یا عثمان یا محمد بن عثمان بن یربد حشمی ،

سحسانی

مکشی نابوحاتم ، از مشاهیر نحویین و ادبا و لغویین و قراء

۱- سحستانی - نکسر اول و ثانی ، منسوب است سحسان (عرب سسان) که ناحیه

بر رگی میباشد در ده مرلی سمت جنوبی هرات ، اراضی آن ریگزار و شوره راز بوده و رستم

داستان معروف را بدانجا منسوب دارند در روایات الحیات از مران الذهب نقل کرده است که

در زمان نبی امیه سب حضرت امیر المؤمنین علیه السلام را نمکه و مدینه و تمامی بلاد شرق و غرب

اعلان نمودند لکن اهل سیستان شدیداً امتناع کرده و در ضمن معاهده بر شرط نمودند که اصلاً

ندان امر سب اقدامی نمایند بعضی ، لفظ سحستان را نام اصلی آن ناحیه دانسته و معرش

ندانند و بعضی گفته اند که سحسان دیهی است در بصره و در این حال تعیین اینکه سمت سحستانی

نکدام يك از مواضع مذکوره است موکول بقرائن خارجیه میباشد در اصطلاح رحالی ، عبارت

از امون بن ابی تممه ، حبیب بن معلی ، حریر بن عبدالله و بعضی دیگر بوده و شرح حال

اسان موکول بدان علم سریف است (ص ۳۳ و ۳۲۱ ت و اطلاعات مفرقه)

میباشد که در شعر و عروس و لغت و عرائب و علوم قرآنیّه و ادبیّه و حل معما دستی توانا داشت ، استاد اس درید و مترّد بود ، کتاب سیویبه را دومر سه از احفش خوانده و سیار صالح و متقی و در هر هفته يك مرتبه حتم فرآن میکرد ، روری يك اشرفی طلا تصدق می نمود ، با خود آن همه مراتب علمیّه عالیّه ، در نحو چندان مهارت نداشت ، هر موقع که با ابو عثمان ماری در یکجا جمع میشدند برای ایسکه منادا چیری از وی سؤال کند هر چه رود بر آرنجا بیرون میرفت و یا خود را نکار دیگری مشغول میکرد و تألیفات سیار دارد

- ۱- الاصداد که در قاهره جاب سده است ۲- اعراب القرآن ۳- الشتاء والصف
 - ۴- الفصاحة ۵- المراتات ۶- کتاب المعمرین من العرب که در لندن و قاهره جاب سده است
 - ۷- ما یلحق فیہ العامة ۸- المدکر والمؤث ۹- المقاطع والصادی ۱۰- المعصور والمندود
- و غیر اینها و سال دو بیست و چهل و هشتم یا پنجاه و پنجم هجرت در بصره در گذشت
(ص ۳۲۴ و ۲۶۳ ح ۱۱ جم و ۸۶ ف و ۵ و ۲۷ ح ۴ ص و عبره)

عبدالله بن سلیمان بن اشعمه مدکور فوق مکنسی با بوسکر ، محدث

سحستانی

حافظ عالم راهد عامی ، با پدرش از سحستان رحلت کرد ، از

علما و محدثین بغداد و حراسان و شیراز و اصفهان استماع حدیث نمود ، در بغداد حفاط بلکه حافظ بر اربدر خود بود ، عافت در بغداد اقامت گزیده و روایت حدیث پرداخت حطیب بغدادی گوید که سمیت بعض حضرت علی بن ابیطالب ع عبدالله محص تهمت است والا احمد بن یوسف ارق گوید از خود عبدالله شنیدم می گفت هر کسی را که نام کدوری داشته و یا از من بدگوئی کرده باشد عفو می کنم مگر آن کس را که مرا با عداوت آن حضرت متهم سارد وفات عبدالله در هشتم یا هیجدهم دی الحجه سیصد و شانزدهم هجرت در بغداد واقع و در مصره باب الستان مدفون و معا قبا هشتاد مر سه بر حماره اش نماز خواندند چنانچه شماره همه ایشان محاور از سیصد هزار بن بوده است و کتاب المصابیح از تألیفات او است
(ص ۲۳ ح ۱ کا و ۴۶۴ ح ۹ و ۴۴۲ ح ۱۴ تاریخ بغداد)

محمد بن عبدالعزیز - یا عزیز ، ادیبی است فاضل متواضع ،

سجاسانی

از شاکردان ابو بکر ابن الاماری و کتاب برهۃ القلوب فی تصنیف

غریب القرآن ، ، غریب القرآن معروف و در مصر چاپ شده و باب سجده حطی آن در

شماره ۲۰۱۳ در کتابخانه مدرسه سپهسالار جدید بهران موجود میباشد از او است

اورا ابن عزیز بیرکوند و در سال سیصد و سیام هجرت درگذشت

(ص ۸ ۱۰ مط و عمره)

سید محمد - حسینی ، متخلص سبحان ، پسر سیداحمد هانف

سحاب

آبی الترحمه ، از مشاهیر شعرای عهد فتحعلی شاه قاجار بود ،

پس پدر مذکورش بحصول کمالات نمود ، باالخصوص در فن شعر و عروض و قافیه بهره ور

بود ، در ذات بیر حطی داشت ، در اواسط عمر نمکد روت ، بعد از مراجعت اشعار او

بمعرفی فتحعلی خان صبا ، منظور نظر شاه گردید و با لقب محتهدالشعراء مفتخر شد ، بعد

از مسافرتی از شعرا بنایه وی نمیرسید ، در اواخر عمر بعبادت و اطاعت پرداخت در سال

هزار و دوست و بیست و دویم هجری قمری وفات یافت و حبابه اش بحرف نقل شد و

و از آثار قلمی او است

۱- دیوان اشعار که دو سجد حطی آن شماره ۲۶۱ و ۳۹۲ در کتابخانه مدرسه

سپهسالار جدید بهران موجود است ۲- سحاب النکاء باری در مرابی و حکایات سیدالشهداء

علیه السلام که بظن و ثر تألیف داده است (فهرست کتابخانه مذکور و عمره)

استرآنادی - اراک بر سر فاش و شعرای عهد صفویه میباشد که پدر اش

سجاسانی

گرگانی بودند ، خودش در شوشتر متولد شد ، در بجهت نشو و نما

یافت ، بهمین جهت سجاسانی بجهت شهرت پیدا کرد بلکه بوشته بعضی بجهت المولد

والمشأ والمدفن بود ، در آن ارض اقدس عبادت و ارواگنراند ، شش هزار رباعی

حکیمانند بدو منسوب است و صاحب مرآت الحیال دوازه هزار رباعی اورا در نک مجلد

دیده و ناآن همه طبع روانی که داشته اصلا عربی از وی دیده شده و از او است

س ساده دلی کرس ره آگاه افتاد
 این کار حوالتی به علم و عملی است
 ای دعوی عشق کرده ، آیین تو کو
 ای دم رده ار داع و فالاله صفت
 هر کس بدرون حویشتن ره دارد
 در ناحود و عواص خود و گوهر خود
 ارحلق جهان هر که حردارتر است
 در باع زمانه باعسانی می گفت
 گم کردم اگر سو حستجویم نکسی
 در حق خود ار لطف تو گفتم بسیار
 اسم و زمان وفات و مشخص دیگری بدست نیامد و لکن ار معاصرین ابوالفیض فیضی
 (متوفی سال يك هزار و چهارم هجری هجرت) و نظائر وی میباشد
 (ص ۸۳ مرآت الحیال و ۱۳۸ ریاض العارفین و غیره)

سحان بن زهر بن ایاس بن عبد شمس بن وائل - افسح علمای

سحان وائل

عرب و ابداع بلعای ایشان بود، در بیان و فصاحت و بلاغت ضرب المثل

و اَفْصَحُ مِنْ سَحَّانٍ ارامثال دائره میباشد زوری برد معاویه رفت، فصحای عرب و خطمای
 قائل در آنجا حاضر بودند ، برای اینکه اگر برد سحان حرفی برسد برد او شرمیده
 خواهند شد و اسباب حجلت ایشان فراهم خواهد گردید بمحرد دیدن او بیرون شدند
 پس سحان این شعر را فرو خواند

اذا قلت اما بعدانی حظیها

بعد علم الحی الممانون انی

س معاویه امر بحطبه خواندش کرد ، سحان عصائی خواست ، گفتد در حضور معاویه
 باعصا چه کار داری ؟ گفت موسی پیغمبر در مقام تکلم با خدا چه کار باعصا داشت ، پس
 عصا را بدست گرفت ، ارطهر با او احر وقت نماز عصر که مشرف به قیوم بوده يك رشته و

سحای

سحای

حسین بن حسون - مصری ، سحای المولد ، ابو عبدالله الکیة ،

عماد الدین اللقب ، قوی و سحای الشهرة ، ادیبی است شاعر بحوی

حوش اخلاق و لطیف المحصر وار او است

فی قدیم الاحبار او فی الحدیث

ما سمعنا من العوائل ظرا

ستهاه الی رواة الحدیث

فهو وقف علی الصحابة ماص

سال پانصد و هشتاد و سوم هجری قمری در مصر وفات یافت (سطر ۱۳ ص ۴۹۳ ت)

سحای

علی بن اسمعیل - بن شرف الدین ابراهیم بن حیاره یمسی فاصی

مالکی ، مکی باوالحسن ، ملقب شرف الدین ، ادیب بحوی

شاعر مشهور الاصاله و معروف العدالة ، ارسلنی و بطاثر وی روایت کرده است دیوان شعری

داشته و کتاب نظم الدر فی بعد الشعر هم ار او میباشد صاحب ترجمه سال ششصد و سی و

دویم هجرت در هفتاد و هشت سالگی در قاهره درگذشت و در آخر عمر نابینا بوده است

(کف و سطر ۱ ص ۴۹۳ ت و عبره)

سحای

علی بن محمد بن عبدالصمد - بن عبدالاحد بن عبدالعالم همدانی

مصری ، سحای المولد والشهرة ، علم الدین اللقب ، ابوالحسن

الکیة ، شافعی المذهب ، ار مشاهیر ادبا و بحویین و قراء و فقهها و لغویین و اصولیین

و مفسرین بلکه در عداد ائمه بحو و تفسیر و لغت و قرائت معدود و گاهی شیخ الفراء

موصوف بهمه گونه قرائات مختلفه و علل آنها حمیر و در فقه و اصول و فروع ادبیه کثیر الاطلاع

بود بحو و لغت و تفسیر و تحوید و ادبیات را در قاهره ار شاطبی ، در اسکندریه ار

سلفی و ابن عوف ، در مصر ار بوضیری و ابن ناسین فرا گرفت پس بدمشق رفته و مرجع

استفاده طلاب و فضلاء وقت گردید و در عصر خود در تمامی علوم متداوله متفرد بوده است

۱- سحای - بیخ اول ، مسوب سحا که ناحیه است در مصر و هم شهری است که مرکز

آن ناحیه است و بعضی ار معروفین بهمین سبت را تذکر میدهد

شب یکشنبه دوازدهم جمادی الاخره ششصد و چهل و سوم و یا پنجاه و سوم هجرت د
دمشق وفات یافت و در حین وفاتش می گفته است

قالوا عدا نأني ديار الحمي و يمل الترك نعتاهم
وكل من كان محبا لهم اصبح مسرورا نعتاهم
قلت فلي ذب فما حيلتي ساي وجه اقلعاهم
قالوا اليس العفو من شأنهم لاسيما عن ترجاهم

سید نصرالله حائری تدلس کرده و آران جمله است

فحنتهم اسعى الى ناهم ارحوهم طورا و احناهم

سحاوی آثار قلمی و تألیفات حیدیه و سودمند سیاری دارد

- ۱- تحفة الفراء و طرفة المتراص ۲- تفسیر القرآن به چهارمجلد و در سه جلد
- ۳- جمال الفراء و تاج الاقراء ۴- ذات الحلل که در ده اسب بطریق امر و مودت است
- کرده است ۵- سفر السعادة و سفر الافادة که شرح معنی رمحسری بوده و در ده جلد
- حراة مصریه موحود است ۶- شرح احاحی بحویة رمحسری ۷- شرح ذات الحلل ۸- شرح
- ۸- شرح رائیه شاطیه ۹- شرح لامیه شاطیه معنی نماید که قاسم بن فیره شاطی در قصیده
رائیه و لامیه در بحوید داشت که سحاوی هر دو را از خود نظم آدها خوانده و هر دو را
شرح کرده است، شرح رائیه به وسیله موسوم و شرح لامیه بر به فتح الوصید فی شرح الفصد
مستفی میباشد ۱۰- شرح معصل رمحسری که دو فقره میباشد، اولی نام سفر السعادة و دوم
مذکور و دومی سر در ذیل نام معصل مذکور است ۱۱- عروس السمر فی مبارک العصر
۱۲- فتح الوصید که در فقره ۹ مذکور شد ۱۳- العصيدة الناصرة لذهب الاشاعة ۱۴- الكواكب
الوقساد فی تصحیح الاعتقاد ۱۵- متساہات الکتاب ۱۶- المعصل فی شرح المعصل
۱۷- میرالدیاحی فی شرح الاحاحی که نام شرح احاحی مذکور شد و غیر اینها و قوائد
سیاری در حق حضرت رسالت ص می گفته است

(ص ۱۴۸ هـ و ۴۹۲ ت و ۳۷۵ ح ۱ کا و ۳۱۹۴ ح ۴ ص و ۱۲۶ ح ۵ طبقات الشافعية و غیره)

محمد بن عبدالرحمن - محمد بن ابی بکر بن عثمان مصری قاهری

سحاوی

سحاوی شافعی حافظ، مکتبی نابوالحیر، از اکابر علمای شافعیه

میشد که در فقه و تحوید و علوم عربیه تمامی افاضل عصر خود تقدم داشت، در حساب
و فرائض و تفسیر و اصول و دیگر علوم متداوله نیز دارای حظی وافر و بواسطه و ب

و حوار ، تا زمان وفات ابن حجر عسقلانی ملازم حضور او بود و اغلب تألیفات او را از خودش استماع نموده و برای تحصیل علم مسافرتها کرده است، اسابید و مشایخ او متجاوز بر چهارصد می باشد و از تألیفات او است

- ۱- ارتفاع العرفی بحال الرسول و دوی الشرفی ۲- الایاس ۳- التاریخ المحیط
- ۴- التبر المسوک فی دلیل السلوک که کتاب السلوک لمعرفه دول الملوک مقریری را تکمیل کرده است
- ۵- تحفة الاحباب و بعیة الطلاب فی الحفظ و التمرات و التراحم و النماز المبارکات که در مصر در حاشیة کتاب بیح الطب چاپ شده است
- ۶- تلخیص تاریخ الیمن ۷- الحواهر و الدرر
- ۸- رحمة ابن حجر ۸- رحان الکمة فی بیان اهل الصفة ۹- شرح الفیة مصطلح الحدیث
- ۱۰- الصوء الالامع فی اعیان القرن التاسع ۱۱- فسح المعیث شرح الفیة الحدیث و طاهرأ همان
- شرح الفیة مذکور است ۱۲- المحرر العلوی فی المولد السوی ص ۱۳- الفوائد الحلیة
- فی الاسماء السونه ۱۴- القول المذبح فی احکام الصلوة علی الحسب الشعیخ ۱۵- العول المتین
- فی تحسین الطن بالمخلوقین و غیر اینها وی سال بهصد و دویم هجری قمری در همتاد و یاب
- سالگی در مدینه منوره وفات و در حوار قبر امام مالک مدفون گردید
- (ص ۱۴۸ هب و ۱۶ آور سافر و عبره)

محمد بن عبد الرحمن بن محمد - سمرقندی سجاوی ، مؤلف کتاب

سجاوی

عمدة الطالب لمعرفة المذاهب که اختلاف داود و شعبه و علمای

اربعه عامه را در آن ذکر کرده و در سال هفتصد و نست و یکم هجرت درگذشت

(ص ۲۸ ح ۲ بی)

سید محمد الصمد - ارسادات اکبرآ ناد همد و ارشاگردان عبدالقادر

سحن

بیدل می باشد که سحن بخلص می کرد سال هزار و صد و چهل

ویک هجری قمری در شهر احمدآ ناد که حرات وفات یافته و از او است

حوش آن روزی که بر نای بوسر گرم بیارافتم دم بر حاستن حدان روم از خود که نارافتم

(ص ۲۵۴۰ ح ۴ س)

سید محمدحان بهادر - در اصل اصفهانی بود ، پس بعم تجارت

سحن

به بدوستان رفته و مشمول مراحم بعضی از امرا گردید ، در سال

هزار و دوست و شادردهم هجری قمری وفات یافت و دیوان مرتبی دارد و از او است